

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه ماعون (جله نهم)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۵/۱/۲۸

برای اینکه انبیا و اولیا در جلسه‌ی ما حاضر باشند صلوات بفرستید.

جلسه‌ی امروز قرار شد دوستانی که کار پژوهشی انجام می‌دهند گزارش بدهند. بحث مختصری درباره صلوات داریم و سوره مبارکه فیل و قریش را شروع می‌کنیم. فکر می‌کنم سه ماه برای کارهای پژوهشی زمان لازم است.

گزارش خانم خوش اخلاق: در مراحل قبل ما معنای لغوی صلاه را درآوردیم و بعد سراغ آیات رفتیم. آیات به ۶ دسته براساس مشتقات تقسیم شدند. از هر دسته آیه، تعریفی استخراج شد. در مرحله‌ی بعد هر ۶ تعریف ادغام شدند.

سوال: تفاوت عبادت و دعا در چیست؟

استاد: عبادت حتما ظهور بیرونی دارد. ولی دعا اینگونه نیست. دعا طلب تحقق است و عبادت تحقق آن رفتار است. هر عبادتی دعا هست و هر دعایی عبادت است. پس فصل اول و دوم پژوهش خانم اخلاق ارتباط تنگاتنگ دارند. تفاوت این دو فصل در این است که یکی ساختارش دعایی و دیگری عبادی است.

خانم افشار گزارش کار دادند.

جمع بندی استاد از کار خانم افشار: براساس سوره ماعون به این نتیجه رسیدیم که انسان سه بعد ادراکی، توجهی، بروزات دارد. هر انسانی در ابتدای تولدش بُعد رفتاری قوی‌تری دارد. کم کم توجهش فعال می‌شود. بعد از آن هم ادراک فعال می‌شود. که این هم باید اثبات شود. حرف این است که در هر دوره‌ای انسان به یکی از این سه مورد نزدیکتر است. دوره‌ی اول که فقط رفتار ظاهری دیگران می‌بیند و الگو می‌پذیرد. دوره دوم فقط کافی است.

که توجه شخص فعال شود. دوره سوم، دوره چرایی است و برای هر کار دنبال دلیل است. در دوره اول، رفتار قوی تر است. رفتار درجه دارد. بعضی رفتارها توجهی تر، ادراکی تر یا رفتاری تر هستند. در هر اقلیم فضاها متفاوت هستند. در اردوهای جهادی چنین چیزی مشخص است. روز اول را باید به شناسایی اختصاص داد. پس هم دوره‌ها تفاوت دارند و هم فضاها و محیط‌ها. باید مناطق ادراکی، توجهی و رفتاری شناسایی شوند. در هر دوره‌ای غیب و شهادتی وجود دارد. شهادت در دوره اول، رفتار است و غیث، ادراک است. دوره دوم غیب، رفتار است و توجه، شهادت است. در دوره دوم که توجه قوی تر است اگر در دبستانی بخواهند نماز را تقویت کنند باید تمام ظواهر را درست کنند. از پرده، موکت و وسائل نمازخانه تا مربی‌ای که مسئول برگزاری نماز است باید درست شود. مربی نماز باید لباس شیک بپوشد و خوش اخلاق باشد. المان‌های توجهی باید فعال شوند. باید این المان‌های توجهی را با توجه به محیط انتخاب کنیم. خود توجه رنگ و لعاب دارد. بعضی توجه‌ها ادراکی تر، بعضی توجه‌ها، رفتاری تر و بعضی توجه‌ها، توجهی ترند. این نکته‌ی مهمی است که در دوره دوم باید فقط روی توجه کار کرد. در دوره سوم هم بنا بر ادراک است. اساس کار در هر دوره مشخص می‌شود. در دوره دبیرستان باید منطق و استدلال را جدی گرفت.

درویه چهارم دوره‌ی فدا شدن برای ولی است. (من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه...)

نماز دوره‌ی آخر، صلوات است. صلوات یعنی بازکردن رحمت برای مردم و باز کردن راه برای آحاد مردم. صلوات، وساطت در نزول رحمت و فضل الهی است.

دستگاه‌هایی که ساخته می‌شود، لزومی ندارد که همه بفهمند. لزومی هم ندارد که همه، دستگاه داشته باشند. کسانی که می‌خواهند مرجع باشند باید اصول داشته باشند. اصول استنباط داشته باشند.

در این صورت انسان جرأت می‌کند حتی با «ولی» مباحثه کند. زراره با امام صادق (علیه السلام) مباحثه می‌کردند. امام (علیه السلام) چنین شیعه‌ای را می‌خواهند. در زمان امام صادق (علیه السلام) شاگردانشان اجتهاد می‌کردند.

خدا توفیق دهد که بفهمیم و عمل کنیم.

ساعت دوم

برخی از تاکیداتی که در روایات آمده است ممکن است در یک زمانی برای ما تاکیدش خیلی سخت باشد یا نتوانیم آن را درک کنیم مثل همان تاکیداتی که راجع به ذکر صلوات آمده است در حد تواتر است و اینقدر زیاد و متنوع است. نمی توانیم به درستی علت این تواتر و افزونی را تحلیل کنیم و اگر هم به آن اعتماد می کنیم شرط عقل است که چون خوب است قبول کنیم و انجامش دهیم.

در همین سری قبل، که مشهد نائب الزیاره بودیم یکی از این حاج آقاها موضوع بحث منبرش را روی صلوات گذاشته بودند و روایتشان این بود که هر کسی هر روز صبح ۱۰۰ صلوات بفرستد از آتش دوزخ حفظ می شود و بیشتر صحبتش این بود که آتش دوزخ بد است و برای رهایی از آن ۱۰۰ صلوات بفرست.

ما هم از عذاب شدن به طور طبیعی می ترسیم و برای اینکه در آتش نیفتیم صلوات می فرستیم. ولی باید گفت صلوات چگونه است که انسان را از فساد و فحشا دور می کند که به تبع آن انسان، از آتش دوزخ دور می شود و این موضوع باید به خوبی تحلیل شود.

روایاتی که راجع به منافع ذکر صلوات آمده است ۴۰-۳۰ تا بوده است و بد نیست که لیست روایات را نگاهی بیندازید از این جهت که حس کنید موضوع مهمی است و راجع به چرایی ماجرا بحث کنیم.

در واقع به تیرها نگاه کنید و انبوه خاصیتها را ببینید که ذیل هر کدام روایاتی آمده است:

ثواب صلوات:

- صلوات نازل کنندهی ملائکه است.
- سنگین کنندهی میزان و کتاب
- ملائک و معیار ذکر است
- سبب دستیابی به مقام خلیل اللهی (مقام حضرت ابراهیم علیه السلام)
- سبب مغفرت و غفران است.
- منهدم کنندهی گناهان است.
- معادل تسبیح و تکبیر و تهلیل است.
- نازل کنندهی رحمت است.

➤ ثبت کننده‌ی حسنه است. (روایات زیادی دارد)

➤ مصونیت دهنده از نار جهنم.

و عن أبي المغيرة قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: من قال في دبر صلاة الصبح و صلاة المغرب قبل أن يثنى رجليه أو يكلم أحدا: إن الله و ملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه و سلموا تسليما اللهم صل على محمد و ذريته قضى الله له مائة حاجة سبعين «سبعون» في الدنيا و ثلاثين «ثلاثون» في الآخرة، قال: قلت: ما معنى صلوات الله و صلوات ملائكته و صلوات المؤمن؟ قال: صلوات الله رحمة من الله و صلوات الملائكة تزيئة منهم له، و صلوات المؤمنين دعاء منهم له.¹

یعنی قبل از اینکه تکانی بخورد یا حالت نمازش را از دست دهد این ذکر را بگوید: إن الله و ملائكته...

بعد پرسیدند که معنای صلوات خدا و ملائکه و مومنین چیست که جواب می گویند: صلوات الله رحمة من الله و...

انواع صلوات که خدا و ملائکه و مومنین می گویند در این روایت ذکر می شود. یکی از دعاهاى خاصى که بین اهل بیت (علیهم السلام) راجع بوده همین بوده است.

➤ از بین برنده‌ی خطاها است.

کسی که می گوید هرچه گل می زرم اوت می رود، می گویم صلوات بفرست که برایت دروازه را بزرگتر کنند. اوت هایت را هم گل حساب می کنند.

➤ برآورده کننده‌ی حاجت هاست.

من صلّى على يوم الجمعة مائة مرّة، قضى الله له ستين حاجة: ثلاثون منها للدنيا².

روایت: کسیکه روز جمعه ۱۰۰ صلوات بفرستد...

➤ صلوات تعیین کننده‌ی درجه‌ی آدم است.

¹. منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج ۵، ص: ۲۱۴

². ثواب الأعمال و عقاب الأعمال / ترجمه حسن زاده، ص: ۷۲۰

آدم می ترسد که گاهی این روایات را می گوید شبیه اغراق شود. پیاز داغش را زیاد می کنیم، آتشش را تند می کنیم ولی روایات چنین فکری نکردند. صلوات مبنایی بر برتری است و کسی که به مقام صلوات برسد برتر است.

➤ موجب رسیدن به شفاعت.

➤ اجر ۷۲ شهید است.

➤ در ثبت گناه به او مهلت می دهند.

➤ سبب بخشایش گناهان ۸ سال است.

➤ باعث نورانی شدن.

➤ جواز دعا است (شروع و راه انداز یک دعا است)

➤ خدا را راضی می کند و عمل را پاک می کند.

➤ دستیابی به وسیله ای برای رسیدن به بهشت است.

➤ غفران گناهان است.

➤ دریافت نور.

➤ استغفار ملائکه.

➤ سبب رفع نفاق (این بسیار مهم است که به وسیله ی صلوات، نفاق های جمعیتی رفع می شود)

دعا را وقتی احکام و عبادی می کنید از حالت مبهم بودن خارج می کنیم و ملموسش می کنیم و برای هر بخش از آن اسرارش را استخراج می کنیم. خیلی وقت ها ما صلوات هایی که می فرستیم چون تبدیل نمی خورد آنقدر که باید تاثیر داشته باشد (هر چند که عالم چون خدا بخشنده گی اش را دریغ نمی کند) کمتر تاثیر می گذارد ولی بهره اش مثلا به جای آن زمانی که می دانست خیلی کمتر خواهد بود. صحبت های ما تیر است و در جهت روزنه هایی برای برقراری ارتباط صلوات و صلوات است.

ما براساس روایات از صلوات حکم پیدا کردیم.

احکام صلوات:

(۱) صلوات با پیامبر (صلی الله) حتما باید با صلوات با آل او همراه باشد (یکی از اختلافات ما با اهل تسنن بر سر همین «آل» است.

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَادَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنْ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ.^۳

نه تنها این صلوات ثوابی ندارد بلکه بوی بهشت را هم نمی‌شنود. بوی بهشت را نمی‌شنود در حالی است که از ۵۰۰ سال آن طرف تر بوی بهشت را می‌توان شنید و فهمید. (اینکه فاصله را به سال گفته به خاطر این است که فاصله‌های عددی در آن دنیا به این شکل است.)

(۲) هرگاه اسم نبی (علیه السلام) از انبیای الهی برده می‌شود برای تعظیم ایشان باید اول صلوات بر پیامبر اسلام (صلی الله) ذکر شود.

مثلا: صلی الله علی محمد آل محمد و علی جمیع انبیاء.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: ذَكَرْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع بَعْضَ الْأَنْبِيَاءِ فَصَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا ذُكِرَ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ ثُمَّ عَلَيْهِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ.^۴

^۳. الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۲۰۰

^۴. الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۳۸۰

این آداب است و احکامش می‌شود.

(۳) باید از صلوات‌های توصیه شده استفاده شود و صلوات خلق نشود.

یکی از بحث‌های احکامی است که البته ما مرجع نیستیم که حکم دهیم ولی توصیه شده است در روایات که منطبق با روایات صلوات بفرستیم.

(۴) برای اینکه نماز به بهشت ختم شود باید با صلوات همراه شود.

(۵) برخی از زمان‌ها خاص شده برای صلوات مثلاً روز جمعه و همه‌ی اعیاد. مثل اینکه یک روزی را اختصاص داده‌اند برای صلوات.

(۶) در برخی از روایات صلوات در هر موطن و موقفی را واجب دانسته است (واجب شرعی نیست). یعنی هر جایی که محل وقوف است محل تولد یک صلوات است. هر کاری و هر مکانی می‌تواند صلوات‌آفرین باشد، عطسه می‌کند یک صلوات؛ دلش درد می‌گیرد یک صلوات. روی زمین می‌خورد یک صلوات.

وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ ص فِي كُلِّ الْمَوَاطِنِ عِنْدَ الرِّيحِ وَالْعُطَاسِ وَغَيْرِ ذَلِكَ وَحُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَوْلِيَاءِهِمْ وَبُغْضُ أَعْدَائِهِ
وَالْبَرَاءَةُ مِنْهُمْ وَمِنْ أُنْمَتِهِمْ^۵

موطن چیزهای عجیب قریب نیست.

یکی از خصوصیات ذکر صلوات انعطافش و کرامتش است. مثل وقتی می‌گویید یرحمکم الله یعنی همان صلواتی که رحمت خدا را نازل می‌کند ولی دانستنش و ذکر مخصوص آن موقف را بداند و صلوات را بفرستد خیلی خوب است. مهم دانستن ذکر آن موقف است که باید روایت معصوم (علیه‌السلام) را دانسته باشد.

نکته: بسیاری از اذکار تبدیل صلوات است ولی ما نمیدانیم که چگونه است و طیف وسیعی را می‌گیرد، صلوات مثل یک منشا و سرچشمه است که بقیه‌ی اذکار از آن خارج می‌شوند. گاهی به خود آن ذکر اشاره می‌کنند و گاهی به شعبه‌هایش. همینکه وقتی معنای صلوات را واکاوی کنید حتماً به حمد خواهید رسید و در دل معنای صلوات، تسبیح و تهلیل و تکبیر هست.

^۵. تحف العقول، النص، ص: ۴۲۰

صلوات در يك چهار راهی است که وقتی تحمید می‌شود معنا می‌شود خوشگل، ثناء علی الجمیل. از طرفی وارد تسبیح می‌شود که به معنای منزّه بودن و بی‌نقص بودن است (لانقص له مطلقاً) و از طرفی وارد تهلیل و تکبیر می‌شود.

ذکر صلوات عجیب است و عمق دارد با اینکه ظاهرش تسبیح (سبحان الله) و تحمید نیست ولی بسیار عمیق است و به تسبیح و تحمید می‌رسد. شاید عجیب‌ترین ذکر از نظر ساختاری صلوات است.

نقطه‌ی ثقل عالم اینقدر تعبیه‌اش عمیق بوده است که همه‌ی اذکار را پوشش می‌دهد. که گاهی به جای همه‌ی اذکار می‌توان صلوات فرستاد. قاعده‌اش رفت و برگشت است که هم چنین می‌توان متوجه شد که الله اکبر به میزانی که به صلوات متصل است الله اکبر است.

الله اکبری الله اکبر است که به میزان صلوات الله اکبر باشد.

(۷) برای قبولی هر دعایی غنی کردن آن دعا به صلوات توصیه می‌شود.

صحیفه‌ی سجاده‌ی معرکه‌ی صلوات است. بند بندش صلوات است و عجیب است. یک‌بار بنشینید صلوات‌های صحیفه را رنگ کنید. صلوات در صحیفه‌ی سجاده‌ی حکم فصل را دارد که هر جایی که می‌خواهد تغییر سیاق دهد از صلوات استفاده می‌کند. اگر کسی بخواند ذکر صلوات را کار کند صحیفه را بخواند. البته دعایی هم خاص صلوات دارند که جای تامل دارد.

صلوات امیرالمومنین (علیه‌السلام) خیلی پیچیده است و خیلی عارفانه، عاشقانه است. امیرالمومنین (علیه‌السلام) وقتی شروع به دعا کردن می‌کنند و به پیامبر (صلی‌الله) می‌رسند کأنّ هوش از سرشان می‌رود. دعایی است که برای رفع حاجت که حضرت سجاد (علیه‌السلام) هم چنین دعایی دارند. ایشان خودشان را وسط جهنم تصور می‌کنند و می‌گویند با جهنم کنار می‌آیم با دوری از محمد (صلی‌الله) چه کار کنم.

نوعی سوز و گداخته‌شدن در متن دعاست. در آن وسط عشق عجیبی به پیامبر (صلی‌الله) موج می‌زند. شکل عاشقانه‌ی متفاوتی از سایرین در آن دیده می‌شود.

کسی که می خواهد عشقش به پیامبر (صلی الله) بیشتر شود صلوات های صحیفه و چگونگی یاد کردن های از او را، در صحیفه را تعیین کنید.

خیلی صحیفه ی علوی عجیب است. اگر کسی به دید این بخواند که مفهوم صلوات را در بیاورد شاهد انسانی خواهد بود که محو در یک وجود است.

۸) از آن جایی که صلوات دعای مقبول است برای مقبولیت دعا شروع و پایان دعا صلوات کنید و این توصیه ی ائمه (علیهم السلام) است و خود امام سجاد (علیه السلام) نیز چنین کردند.

۹) صلوات بسیار مهم در همه ی عرصه های زندگی است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ^۶

یعنی هر دعایی، آسمان با او بیگانه (محجوب) است مگر آنکه صلوات بفرستید که آن زمان، آسمان با دعا انس می گیرد و به آن گوش می دهد.

۱۰) صلوات دسته جمعی موجب رفع نفاق است.

۱۱) محرومیت از صلوات برابر با محرومیت از خیرات و برکات زیادی. کسی که صلوات در سبد غذایی اش نباشد خیرات و برکات از زندگی اش خارج می شود.

کسی که صلوات در زندگی اش جاری شود تقریباً هیچ بلای قابل توجهی در واقع او را تهدید نمی کند. به طور طبیعی او را از سحر و جن و القائنات محافظت می کند و حصاری از حصن و سور اطرافش خواهد بود و کسی که صلوات نمی فرستد یا لایه ی ازن ندارد یا سوراخ است که بهتر است صلوات بفرستد.

^۶. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۴۹۳

آداب صلوات

یک سری احکام صلوات داریم و یک سری آداب. احکام قوانین کلی بود که ذکر شد. آداب یعنی خواستی این کار را بکنی ادبش این است.

یک روایت بسیار جالب که شبیه مباحثه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) با اطرافیانشان است.

جم، جمال الأسبوع جماعه من أصحابنا عن محمد بن أحمد بن محمد بن سنان عن أبيه عن جدّه محمد بن سنان عن عبد الله بن سنان قال: كنا عند أبي عبد الله جماعه من أصحابنا فقال لنا ابتداء كيف تصلون على النبي ص فقلنا نقول اللهم صل على محمد وآل محمد فقال كأنكم تأمرون الله عز وجل أن يصلي عليهم فقلنا فكيف نقول قال تقولون اللهم سامك المسموكات وداحي المدحوات وخالق الأرض والسماوات أخذت علينا عهدك واعرقتنا ببؤة محمد ص وأقررتنا بولايه علي بن أبي طالب ع فسمعنا وأطعنا وأمرتنا بالصلاة عليهم فعلمنا أن ذلك حق فاتبعناه اللهم إني أشهدك وأشهد محمدًا وعليًا والثمانية حملة العرش والأربعة الأملأك خزنة علمك أن فرض صلواتي لوجهك ونوافلي وزكواتي وما طاب لي من قول وعمل عندك فعلى محمد وآل محمد وأسالك اللهم أن توصلنيهم وتقريني بهم لديك كما أمرتني بالصلاة عليه وأشهدك أنني مسلم له ولأهل بيته ع غير مستنكف ولا مستكبر فزكنا بصلواتك وصلوات ملائكتك إنه في وعدك وقولك هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور وكان بالمؤمنين رحيماً تحيتهم يوم يلقونه سلاماً وأعد لهم أجراً كريماً^٧ فأزلنا بتحييتك وسلامك وامننا علينا بأجر كريم من رحمتك وأخصصنا من محمد بأفضل صلواتك وصل عليهم إن صلواتك سكن لهم وزكنا بصلواته وصلوات أهل بيته واجعل ما آتينا من علمهم ومعرفتهم مستقراً عندك مشفوعاً لا مستودعاً يا أرحم الراحمين^٨.

یک عده‌ای حلقه‌ی معرفت گرفته بودیم و دور آقا نشسته بودیم. اول جلسه بود (کم روایتی است که روات آن صحنه را ترسیم کنند و این صحنه‌ی جالب و بدیعی بوده است) امام فرمودند که چگونه شما صلوات به پیامبر (صلی الله) می فرستید و اطرافیان گفتند «اللهم صل على محمد و آل محمد» و امام فرمود که شما به خدا دستور دادید در حالی که من گفتم شما چگونه صلوات می فرستید: و شروع کردند به گفتن! یک خدایی است که همه کاره است و همه‌ی اجزای خلقت از زمین و آسمان در دست اوست. ما شنیدیم و اطاعت کردیم و صلوات یعنی

^٧ (٤) الأحزاب: ٤٣-٤٤.

^٨ .بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ٩١، ص: ٦٧

اینکه تو از ما خواستی و ما را امر کردی و ما اطاعت کردیم، خدایا پس تو شاهد باش (این یعنی جرات یک شیعه نسبت به باورها و اعمالش؛ ازدواج کردم یا نکردم، بچه‌دار شدم یا نشدم و ... همه به تبعیت از اهل بیت و ائمه (علیهم السلام) بود. همه براساس همین اقرار به عهدم نسبت به امیرالمومنین (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله) بود و خدایا تو همه چیز را می‌دانی.) و همه‌ی قول و فعل و نوافل و زکات و ... (جزء، جزء اعمالم) همه به واسطه‌ی محمد و آل محمد است و این چنین از تو می‌خواهم که این‌ها را وسیله‌ی تقرّبم به آن‌ها کنی و بعد می‌آییم سراغ اهل بیت رسول الله و ولایت (مگر می‌شود کسی صلوات بفرستد و ولایت فقیه را نفهمد؟ مگر می‌شود کسی صلوات بفرستد و مرجع تقلید را قبول نداشته باشد؟ در صلوات این تبعیت وجود دارد.) حالا که این چنین شد و گفتیم ما را به تحیت خود نزدیک کن و ما را به سمت‌های خاص و به کارهای خاصی توفیق بده که اختصاصی این جریان رحمت در ما شکوفا شود (ظاهر روایت این است که من به صورت مخصوص صلوات بفرستم یعنی به صورت مخصوص برای محمد و آل محمد خاص باشم.) پس تو دستور دادی به پیامبر (صلی الله) که صلاتک سکن لهم..... آن‌ها یک معرفت و علمی دارند و معرفت و علم آن‌ها را درون ما به صورت مستقر بده.

اللهم صل علی محمد و آل محمد که امر ما به خداست و ما باید توجه به عهد و اقرار متفاوت که خاص شیعه است داشته باشیم.

➤ غایت صلوات رسیدن به سلام است.

ما آمدیم صلوات را عبادی کردیم و ساختار عبادی به آن دادیم. مثلاً صلوات نیاز به طهارتی دارد که باید چنین باشد: انسان اگر مستکبر و مستنکف باشد نمی‌تواند صلوات بفرستد یعنی می‌گوید نمی‌روم حکم مرجع را بپرسم خودم تشخیص می‌دهم. برخی جاها باید خودمان تشخیص دهیم و برخی جاها نیاز به رجوع دارد. که دو سر طیف مستکبر و مستنکف جای می‌گیرد.

ابعاد و مراتب صلوات

من سعی کردم هیچ چیزی از این کار را رونمایی نکنم و این کتاب، جلد ۱۳م دعاست و فقط از دعا استفاده کردم و حتی سعی کردم که در تحلیل‌ها هم حتی روایت نیاورم. و در ساختارشناسی هم قرآن و روایت نیاورم. قرار است مفهوم صلوات به نماز نزدیک شود. به هر حال باید بین این دو ارتباطش کشف شود، اگر قرار است دائم در نماز

باشیم باید صلوات را یاد بگیریم، چون نمی‌توان همه‌جا نماز خواند ولی می‌توان ذکر صلوات را فرستاد. ذکر صلوات انسان‌ها را دائما به سمت دائم الذکر بودن سوق می‌دهد.

در هر صلواتی ۳ قسمت دارد و در صلوات‌های تفصیلی مشخص می‌شود:

(۱) **نقش محمد و آل محمد در هدایت و ارتقا توان هدایتی ما:** ما باید در نظام معرفتی به این مسائل پاسخ دهیم، آیا قلمرو هدایت ائمه (علیهم‌السلام) گسترش دادنی است؟ بله انقلاب اسلامی صلوات است، منافع نماز در این قسمت است. این اقدام برای هدایت و گسترش را صلوات می‌گوییم، صلوات یعنی طلب توسعه‌ی هدایتی که خداوند در عالم قرار داده است و یک نفر مالک می‌شود و یک نفر سلمان و ... که این صلوات عملی می‌شود و منجر می‌شود که صلوات‌ها و نمازهای لفظی به عمل می‌نشینند. ما بایستی زمانی بفهمیم که صلوات اقدام و عمل است. من اگر کاری کردم که مردم محله‌ام بیشتر نماز بخوانند در اصل داشتم صلوات می‌فرستادم. صلوات فرستادن روح می‌خواهد و روح یعنی عمل. انسانی صاحب عمل است که اگر حذف شود جریان رحمت قطع می‌شود و سوراخی مشخص می‌شود که کاملا واضح است. در شهر اصفهان ۷ پیر بودند که می‌گویند ما وقتی مریدیم ما را در ۷ نقطه‌ی شهر به خاک بسپرید که بلا و زلزله از این شهر دور شود، این پیر یعنی صلوات. یعنی حتی مردن و جسد او هم رحمت‌آفرین است. یعنی جریان رحمت که توسط یک سری انسان بر بقیه نازل می‌شود. حرکت حضرت امام (ره) واقعا عجیب بود و درس بزرگی به ما داد (کاش ما که سرمان در کتاب است بیشتر بفهمیم) علمی که نتواند مصونیت به آن شهر بدهد این علم نیست، شما می‌توانید براساس صلوات بگویید که این علم نافع است یا نه. به هر حال مومن باید در صحنه و جنگ باشد. خط مقدم باشد. یعنی بچه‌ی من دست امام زمان (عج‌الله) را باید از دستان من بفهمد، نباید انتظار آن دست مبارک را داشته باشد، ما همه را به آن دست دلالت می‌دهیم و خودمان خوش اخلاق نیستیم، مثل اینکه موسی (علیه‌السلام) تو و خدایت با هم بروید جنگ کنید، این نگاه به امام زمان که بیاد و با خدایش جهان را فتح کند دقیقا چنین نگاهی است.

(۲) **ارتقا توان برای هدایت:** (جایگاه مومنین در دریافت این هدایت) آیا هر مومنی صلوات بفرستد این هدایت را دریافت می‌کند؟ تلاش برای یادگیری روایات داشته باشید (فلان عالم تمام روایات بحارالانوار را به صفحه حفظ می‌کرد). قبلا که اردو می‌بردیم ما بیشتر از ۵۰ نفر اردو نمی‌بردیم، یک دفعه به خودم گفتم که منفعت ۵۰ تا بیشتر است یا ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ تا و خلاصه شروع به پژوهش کردم و در یک اردوی ۱۰۰۰ نفری شرکت کردم و به عنوان یک انسان عادی و ناظر بودیم دیدم که برخی از مناسک فقط با

۱۰۰۰ نفر امکان پذیر است، یک دعا کمیل و زیارت متفاوت. وقتی جمعیت اردو چنین شد ماهیت اردو متفاوت است. جمعیت خودش کارایی خاص خودش را دارد. ما یک موقعی باید متوجه این شویم که اگر به حد نصاب عددی نرسیم خیلی از فیوضات الهی نازل نمی‌شود. این موضوعی که می‌گویم دقت کنید: مثلاً اعتکاف ۲۰۰۰ نفره جوّش متفاوت است. بعد دیدم که این فکر در علمای قبل بوده است و مسجد به گونه‌ای ساخته می‌شده است که اگر کل محله یا شهر جمع می‌شدند در آن مسجد جای می‌گرفتند و محله را تحت تاثیر قرار می‌داده است و اهل تسنن از چنین شگردهایی در حال حاضر انجام می‌دهند. یک سری ابداعات ظریف و جالب و دقیق انجام می‌دهند که ایمانی راسخ درشان نشان می‌دهند هر چند که یک سوتی‌هایی دارند و خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) بی‌کار نشسته‌اند ولی خب به چشم نمی‌آید و باید از غیب خبردار شویم. ولی مهم این است که او کار خودش را خوب انجام داده است و اگر کسی بخواهد تشیع را در سیستان و بلوچستان ترویج کند با دو دو تا چارتا غیر ممکن است. به میزان مراجعه به امام فیوضات و رحمتش بیشتر می‌شود. امام جای خالی علمی ندارد که بخواهد پر شود، میزان جریان علم در جامعه در امام بهجت و شادی ایجاد می‌کند. به خاطر همین اگر شما دست یک کافر را گرفتید و مومن کردید امام خوشحال می‌شود یعنی این طور نیست که برای امام بالسویه باشد. این خرسندی از باب این نیست که نقصی در آن‌ها به کمال تبدیل شود بلکه جنسش فوق الرضا است. این منفعتی است با رویکر به آن مومن. مورد اول رویکردش به دستگاه هدایتی امام است و مورد دوم رویکردش به ارتقا مردم در فهم هدایت است و یکی از مقاصد ما در انجام خیر خشنودی اهل بیت (علیهم‌السلام) است بالاخص آن‌ها که فضایشان عاطفی می‌شود و برایشان مهم است که پدرشان از آن‌ها راضی باشد و لبخند پدر برایشان از کار مهم‌تر است و بعضاً لبخند ملاک است. اینکه حضرت آقا در درس خارجشان حدیثی فرمودند که کار سخت‌تر را انجام می‌دهند برای برخی مهم است که کاری که انجام می‌دهند سخت است یا نه؟

۳) **قسمت مهمی که در صلوات است و در صلوات‌های تفصیلی آمده است:** جایگاه غیر مومنین به نسبت هدایت محمد و آل محمد، انواع انحراف‌ها به نسبت محمد و آل محمد و ضررهای فقدان صلوات بر محمد و آل محمد.

بخش لعن‌ها همه در این قسمت جای می‌گیرد، اگر در ذهن شما صلواتی است که در آن لعن نیست، صلوات نیست. در روایاتی آمده است. عمل لعن این است که هر کاری که سنخیتی با ایشان ندارد از صحنه‌ی زندگی خارج شود و خیلی با این دید صحنه‌ی زندگی ما طهارت پیدا می‌کند. دشمن اهل بیت (علیهم‌السلام) یعنی غیبت و دشنام و طعنه و

....

اگر کسی در حال صلوات فرستادن دشنام داد، یعنی ذکر و عادت بوده است و فایده نداشته است.

مثال: خیلی پایین این است که رهبری ۴ فرماندهی قابل داشته باشد که در عرصه‌های مختلف فرهنگ و اقتصاد و ... ، فکر کنید ۱۰ فرمانده داشته باشد، فکر کنید هیچ چیزی نداشته باشد. در شأن ولایت ایشان هیچ تاثیری نخواهد داشت ولی در کارکرد ولایت بسیار تاثیر می‌گذارد. اگر فرماندهی فرهنگی مثل سردار سلیمانی داشتیم خیلی کارکرد ولایت بهتر انجام می‌گرفت. چند تا از چنین سرداری وجود دارد. کارکرد هدایتی ولایت فقیه را چه کسی باید بالا ببرد؟ خودش ببرد بالا یعنی چه؟ من و شما باید علم و عملمان را بالا ببریم و الحاقمان توسط نیروهای غیبی انجام خواهد گرفت. مثلاً کار امروز ما مانور پژوهشی بود. شما سطحان را بالا بیاورید و سطوح بالا همدیگر را پیدا خواهند کرد. نگران نباش که کسی ما را نمی‌بیند. تو بیا بالا. کار نقشه کشی برای حوزه‌های فرهنگی بسیار قابل توجه است. یک نصفه‌ی این نقشه‌ها کارهای فرهنگی را تا چند ماه جلو می‌برد. برای اجرای برنامه نیاز به دستگاہ و شبکه داریم. نگویید که چرا صدا و سیما این گونه است وقتی واردش می‌شوید می‌بینید که این گونه هم نیست. برنامه‌ی کودک هم به این راحتی امکان پذیر نیست، این که فیلمنامه به سناریو و تدوین برسد راحت نیست. ما از عمل بسیار فاصله داریم.

انواع صلوات

انشاءالله در صلوات‌هایتان توجه کنید:

- **صلوات حاجت:** صلواتی که می‌فرستید جلو، تا حاجتتان برآورده شود، صلوات‌های کار راه اندازند. قفل باز کن هستند. در روایات است که همه‌ی صلوات‌هایی که با حاجت بیان شود صلوات حاجت است.
- **صلوات توسل:** ما کاری به حاجت نداریم و دلمان می‌خواهد که به سعادت و عاقبت بخیری برسیم، حاجت تفصیلی نداریم مثل دعای توسل که نمی‌گوییم چه کار کن و می‌گوییم یا وجیها عندالله اشفع لنا عندالله. صلوات را با توسل ممزوج می‌کنیم.
- **صلوات تقرب:** هدف و موضوع تقرب به خداست و صرف شفاعت و حاجت نیست، دستیابی به عنایت خاص برای قرب بیشتر است. قرب این جا با قربی که در ذهن ماست مقداری فرق دارد. قرب اینگونه است که من کاری انجام می‌دهم که به خدا نزدیک‌تر شوم. تقرب و توسل در ادعیه متفاوت است. مثلاً ما می‌دانیم که اهل‌بیتی (علیهم‌السلام) داریم که شفا دهنده‌اند پس من بچه‌ام را به آن‌ها می‌سپارم که می‌شود

صلوات حاجت، گاهی می‌گوییم آقا جان شما به خدا بگو که ما ایمانمان بهتر شود و به سعادت برسیم و مطلق علم را به ما بده که می‌شود صلوات توسل، در تقرب تنها نزدیک شدن به او مهم است، باز هم منی هست که می‌خواهد نزدیک شود.

➤ **صلوات خلوص:** دیگر من هم نیست.

➤ **صلوات خاص:** صلوات خدا بر آن‌هاست. برخی صلوات‌ها را ما می‌فرستادیم و برخی صلوات‌ها را خدا می‌فرستد که در دعای آل یاسین است که سلام خدا بر ایشان.

البته همه‌ی این‌ها یکی است ولی یک تمایزاتی دارد.

من هم نتوانستم تعریف متمایز بدهم ولی ملاک برای هر کدام گذاشتم. وقتی از این جهت که خدا امر به صلوات کرده و مومنین صلوات می‌فرستند (ان الله و ملائکه...) که امر خداست صلوات توسل است. زمانی که قرار شد برای صلوات حالت بدهم مثل صلاه نامیه که می‌شود صلوات تقرب.

صلوات تامّ تمام این‌ها را دارد و این از جذابیت‌های ادعیه و اذکار تام است.

تقرب زمانی است که صلوات امکان جولان پیدا می‌کند، انعطاف‌های مختلف پیدا می‌کند مثلاً میلش به بی‌نهایت معلوم می‌شود و نظام معرفتی‌اش فعال می‌شود. اگر به خودش و معرفت خودش دقت کرد تقرب است. نوع چهارم این است که از خودش فراتر می‌رود و صلوات را از ناحیه‌ی عباد و ائمه می‌گوید.

نکته: یک روایتی به ذهنم رسید که برخی قول داده بودند.

بحث زیارت:

صلوات به وسیله‌ی زیارت به صورت رسمی تبدیل منسک می‌شود. نماز عبادت است و شبیه به منسک می‌شود ولی خود منسک نیست.

صلوات با انواع صلوات و احکامش شبیه عبادت می‌شود.

صلوات با زیارت منسک می‌شود (زیارت یعنی رفتن سر قبور)

یک مرتبه از نماز هم از جهت ساختاری پیشی می گیرد (کاری به ثوابشان ندارم و تنها از جهت ساختاری گفتم) زیرا یک امر مجرد دعایی است که تبدیل به منسک می شود.

این روایت را به مطالب قبل وصل کنید و جدا و متصل شنیدن آن منافع مختلفی دارد.

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَخَلَ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً قَالَ لَا قَالَ فِي كُلِّ شَهْرَيْنِ مَرَّةً قَالَ لَا قَالَ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً قَالَ لَا - قَالَ مَا أَجْفَأَكُمْ لِسَيِّدِكُمْ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَلْبُ الزَّادِ وَبَعْدُ الْمَسَافَةِ - قَالَ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى زِيَارَةِ مَقْبُولَةٍ وَإِنْ بَعْدَ النَّائِي قَالَ فَكَيْفَ أَرْوَرُهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ اغْتَسِلْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ وَالْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ وَاصْعُدْ إِلَى أَعْلَى مَوْضِعٍ فِي دَارِكَ أَوْ الصَّخْرَاءِ وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَاكَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدِ بْنِ الشَّهِيدِ وَالْقَتِيلِ بْنِ الْقَتِيلِ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنَا زَائِرُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَوَارِحِي وَإِنْ لَمْ أَرْزُكَ بِنَفْسِي مُشَاهِدَةً لِقَبْتِكَ فَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ وَوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ - وَوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ وَوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ وَوَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ وَوَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ وَجَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ - أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ جَلًّا وَعِزًّا وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى أَخِيكَ الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ فَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي فَكُنْ لِي يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي وَأَنَا بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ وَرَحْمَتُهُ ثُمَّ تَحَوَّلَ عَلَى يَسَارِكَ قَلِيلًا وَتَحَوَّلَ [تَحَوَّلُ] وَجْهَكَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَهُوَ عِنْدَ رَجُلِ أَبِيهِ وَتَسَلَّمَ عَلَيْهِ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَدُنْيَاكَ ثُمَّ تُصَلِّيْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَإِنَّ صَلَاةَ الزِّيَارَةِ ثَمَانٌ أَوْ سِتٌّ أَوْ أَرْبَعٌ أَوْ رَكَعَتَانِ وَ أَفْضَلُهَا ثَمَانٌ ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ نَحْوَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَتَقُولُ أَنَا مُودِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَوَارِثَ سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَوَدَّعُكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَوَدَّعُكُمْ يَا سَادَاتِي يَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ - فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ.⁹

⁹ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص: ۳۶۸.

آیا تو ابی عبدالله(علیه السلام) را در هر ماه زیارت می کنی؟ آیا دومه یک بار زیارت می کنی؟ (این درحالی است که او مدینه بود) گفت: نه. گفتند: چقدر شما به سیدتان جفا می کنید. گفت: آقا جان حساب هزینه و طول مسافت را چه کار کنیم؟ امام(علیه السلام): می خواهی یک منسکی به شما یاد دهم؟ (این ها کار منسک است. اشکالی ندارد که در دلتان بگویند ولی منسک یعنی باید آداب داشته باشید و مثلاً غسل جمعه کنید.) غسل کن در روز جمعه یا هر روزی که دلت خواست (مثلاً ترکیه است و جمعه اش سرکار است و این یعنی ۱۴۰۰ سال بعدش را دیده است)، لباس مناسب زیارت بپوش، طهارت داشته باش. (منسک مثل عمره می شود.) در یک موضع بلند برو و احساس کن که قبر همان جاست (اینقدر باید سیستم خیالت را پروانی که همان کاری که در زیارت انجام می دهی اینجا قرار بده مثل کلیپی که ۳ بعدی حرم امام رضا(علیه السلام) را می دید و چگونه آشفته شده بود.) و قول خدا تبارک و تعالی چنین است که فاینما تولوا فثم وجه الله و سپس بگو... . منسک نمود بیرونی دارد. مراسم داشته باشد. نماز جمعه منسک است و می گویند حج فقرا است.

ادامه ی روایت: کمی آن طرف تر برو. سمت چپ و راست و... و نماز زیارت بخوان یا ۸ رکعت و یا ۶ رکعت. برگرد به سمت قبله و الی آخر.

برخی روایات را نمی دانم که چرا بالا نیامده که آیا به خاطر ظرفیت جامعه بوده یا نه؟! ولی روایت می آید و با تقویت خیال چنین عملکردی انجام می دهد. به خاطر همین چون این روایت از معصوم(علیه السلام) و سید بن طاووس نقل شده است اتکای فردی کافی است و نمی توانیم بگوئیم اردو می بریم و این منسک را انجام می دهیم.

منسک عبادتی است که برای انجام آن شما به مراسم اتکا می کنید.

اعتکاف یک منسک است، روزه و نماز و وقوف در مسجد را که عبادت است در یک جا می ریزد و آن ها را تبدیل به یک مراسم می کند و برایش احکام می گذارد مثلاً خرید و فروش حرام است، خروج از وقوف مجاز نیست و نماز منسک هست به خاطر اینکه انواع اذکار و طهارت را مثل آشپزی تلفیق می کند و می توان به آن منسک گفت.

روزه را نمی توان منسک گفت، مناسک حالت مراسم دارد و به سمت اجتماعی بودن می رود. روزه می گیرید عبادت است ولی نماز عید فطر منسک است، شما فطریه می دهید، خطبه می شنوید، با پای پیاده می روید و ... و در مناسک نوعاً حرکت ها اجتماعی است. مثلاً کسی می گوید که چه مشهد خوبی بود که خلوت بود و این چه حرفی است که می گوید مشهد باید شلوغ باشد. ماه رجب ماه زیارتی مشهد است و باید همه جمع کنید و بیاید مشهد یعنی

باید در منسک شلوغی و هیمنه و هم‌گرایی و همدلی ببینید. اربعین باید بروید کربلا که منسک را ببینید. کسی می‌گوید که من همیشه مواقع خلوت می‌روم زیارت می‌گویم خوب است چون موقع خلوت هم باید شلوغ شود. یکی از ثواب‌های نمازهای فریضه حج است. می‌خواهد بگوید معامله‌ای که با نماز می‌کنید باید معامله با حج باشد و به اندازه‌ی یک حج برایش برنامه‌ریزی کن و احساس کن که بعد هر نمازی باید برای دیگران سوغات بیاوری. چون حج رفتی. باید با نمازها معامله‌ی حج کرد. مثلاً بعد نمازش شکلاتی به اطرافیانش بدهد به عنوان سوغات نمازش.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات